

## سخنی با رئیس شورای شهر تهران

محمد بینارزاده، پژوهشگر اعتیاد] آقای مهندس هاشمی، رئیس شورای شهر تهران در آیین افتتاح پروژه‌های منطقه ۲ شهرداری تهران به ناآرامی‌های آن‌ماه، شرایط بحران مانند تحریم، بیکاری، تورم و به اوج رسیدن ناهنجاری در چنین شرایطی اشاره کردند و «در شرایطی که حال خوبی نداریم»، قول تلاش برای بازگشت خوشی و شادی به تهران را داده‌اند. در روزهای گذشته هم با اعلام خبر دستگیری ۶۴۶ نفر از «نخاله‌ها» و معتادان» در منطقه فرحزاد، شهردار منطقه ۲ نوید ساخت اکوپارک را داده‌اند و در منطقه ۵ یک گرمخانه «تمیز و عالی» برای سرویس دهی به زنان بی‌خانمان و آسیب‌پذیر راه‌اندازی شده است. در روزگاری که دیگر نمی‌شود از تراکم فروشی به درآمد پایدار شهری رسید، اکوپارک حتما فکر بکری است: فضای سبز چشم‌نوازی ایجاد می‌کند که خیلی هم محیط زیستی است و از قاب پنجره برج‌های متنوع منطقه، لاید دل‌انگیزتر از دیدن نمای آلوده نخاله‌ها و معتادان بی‌خانمان است. افزون بر فضای سبز گسترده، امکانات رفاهی متنوعی در تعریف اکوپارک وجود دارد: رستوران‌های مختلف، شهر بازی ویژه کودکان با لاید پردیس سینمایی و پاساژهای نورانی و رنگارنگ با پارکینگ‌های وسیع، البته واضح است که این امکانات مربوط به بخش خصوصی است که قرار است بابتش به شهرداری پول بدهد و بعد سودش را از طبقه متوسط (اگر طبقه متوسطی باقی مانده باشد) و اقشار فرادست بگیرد. منطقه ۲ از این حیث پتانسیل بیشتری نسبت به منطقه ۵ دارد. پس اگر گرمخانه‌های هم باید، شایسته‌تر آن است که در منطقه ۵ باشد. بی‌خانمان‌ها و زاغه‌نشین‌ها باید از سطح چنین گنج جغرافیایی نهفته به مناطق حاشیه‌ای‌تر تاراندن شوند زیرا زیست هم‌زمان این گروه در جوار اکوپارک، کیفیت لذت بخش لحظات لایه‌های جمعیتی برخوردار (ساکن یا گردشگر) را ناهمگن می‌کند و عیش دقیقه‌هایشان را مکدر. پس باید راهی دیگر برای آنها یافت: تبعید پیاپی از مرکز به حاشیه این دوزخیان مازاد روی زمین، همراه با نسبی خوش آب و رنگ اکوپارک رویایی برای ایجاد همدلی در طبقه متوسط و برخوردار و هم‌سویی آنها با تاراندن نقد گروه مطلقاً محذوف. اما تبعیدگاه کجاست؟ قرار است آنها به مراکز ماده ۱۶ یا همان کمپ‌های اجباری سپرده شوند.

جناب آقای مهندس هاشمی! اگر فرصت نداشته‌اید آخرین گزارش «ارزیابی سریع وضع اعتیاد ایران، سال ۱۳۹۷» را در باره ویژگی‌های «نخاله‌ها و معتادان» کمپ‌های ماده ۱۶ مطالعه کنید جهت استحضار نکاتی را در جدول زیر با شما در میان می‌گذارم:

گزارش «ارزیابی سریع وضع اعتیاد ایران، سال ۱۳۹۷»			
ویژگی	درصد افراد	ویژگی	درصد افراد
مصرف تریاک	۱۹٫۷	اخراج از خانه	۱۲٫۳
مصرف هرویین	۴۵٫۴	بی‌خانمان	۲۸
مصرف شیشه	۳۸٫۵	تجربه دستگیری	۵۱
شیوه تزریق	۱۳٫۸	سهم زنان	۸٫۲
بیکار	۲۹٫۴	تن فروشی	۷٫۱
اخراج از کار	۱۴٫۶	نسبتن فروشی‌زنان	۸۷

به سخن دیگر، نیمی از آنان تجربه دستگیری قبلی داشته‌اند. دستگیرشان می‌کنید که به کمپ ماده ۱۶ برده شوند و بعد از ۶ ماه‌ها شوند که بیابند یک گوشه دیگر این شهر که فعلا زمینش مرغوب نیست؟ ملاحظه می‌کنید که نزدیک به ۸۴ درصد نوع مواد مصرفی آنان شیشه و هرویین است و همین گزارش می‌افزاید بین ۸۰ تا ۹۰ درصد این نوع از مصرف‌کنندگان دچار علائم یا اختلالات روانی‌اند. میزان بیکاری و تن‌فروشی را در میان‌شان ملاحظه می‌کنید؟ می‌دانید سابقه شغلی نزدیک به ۴۰ درصد آنان کارگر و کشاورز است؟ یعنی روزی روزگاری ارزش افزوده تولید می‌کرده‌اند و حالا نقداً حتی ارزش هم‌نشینی در زمین‌های یک اکوپارک نسبی را هم ندارند؟

جناب مهندس هاشمی! سخنان سخنگوی محترم ستاد مبارزه با مواد مخدر را خوانده‌اید که به افزایش ۱۶ درصدی کشفیات مواد طی امسال اشاره دارند، اما درباره کشفیات شیشه از افزایش بیش از ۳۰۰ درصدی سخن می‌گویند؟ آیا می‌دانید که قیمت هر گرم شیشه از حدود ۱۱۰ هزار تومان در ۶ ماه پیش، به حدود ۴۰ هزار تومان یا کمتر در حال حاضر رسیده است؟ اینها را گذاشته‌اید کنار مصاحبه‌های مقامات محترم نیروی انتظامی که از افزایش قابل توجه کشفیات سلاح گرم در کشور خبر می‌دهند؟

جناب مهندس هاشمی! خواهشی از شما دارم و در عوض، قولی به شما می‌دهم: به‌تازگی کتابی منتشر شده به نام «سیاره زاغه‌ها» که از قضا دقیقاً به موضوعاتی مانند اتفاقات دره فرحزاد می‌پردازد و نشان می‌دهد در فرآیند توسعه نامتوازن، ناپایدار و به همین دلیل ناعادلانه شهری، چنین مشکلاتی عالم‌گیر است، اما راه حل دارد. خواهش این است هر شهرداری را که بر سر کار می‌گمارید، مجبور کنید این کتاب را از او امتحان کتبی و شفاهی بگیرند و بعد درباره انتصابش تصمیم بگیرید. متقابلاً من هم قول می‌دهم قبل از انتخابات بعدی شورای شهر، به همه دوستان و به‌ویژه کارشناسان حوزه اعتیاد، خواندن این کتاب را توصیه کنم تا اگر سودای رأی دادن دارند، بدانند به چه کسانی رأی ندهند. □



مهر



## محمد مسعود زاهدیان، رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر ناجا؛ دیگر حضور معتادان در دره فرحزاد چشمگیر نیست

«نگاه ناجا به منطقه دره فرحزاد مانند سایر مناطق شهر تهران است و در اقدامات مان از همان الگوی اجرای قانون و تأمین رضایت شهروندان تبعیت می‌کنیم. وظیفه ما تأمین امنیت شهروندان است. ما وظیفه داریم معابر و محلات شهر را به محیط مطلوبی برای استفاده عموم تبدیل کنیم که این کار را براساس مطالبه شهروندان دنبال خواهیم کرد.» این خلاصه حرف‌های محمد مسعود زاهدیان، رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر ناجاست. او می‌گوید دره فرحزاد به دلیل شرایط جغرافیایی ویژه‌ای که دارد، به‌پاتوق مصرف‌مواد تبدیل و اکنون‌هایی در بعضی مناطق آن ایجاد شده بود که محل تجمع مصرف‌کنندگان مواد بود. «در چند روز گذشته پلیس با همکاری شهرداری تهران این آلودگی‌ها را جمع‌آوری کرد. پلیس با جمع‌آوری معتادان متجاهر می‌خواهد فرحزاد را تبدیل به منطقه‌ای امن کند. هر نقطه‌ای در شهر که متروکه باشد، به محیطی برای سوءاستفاده‌کنندگان تبدیل می‌شود، حالا سوءاستفاده‌کننده می‌تواند مواد فروش باشد، معتاد باشد یا زورگیر مامی خواهیم دره فرحزاد نقطه‌ای متروکه و دور از دسترس نباشد. مامی خواهیم راهی باز کنیم که مردم به این منطقه رفت‌وآمد داشته باشند. حضور مردم و گشت‌زنی‌های نیروی انتظامی در این منطقه می‌تواند شرایط را بهبود ببخشد و زمینه حضور عموم شهروندان را در آن منطقه برقرار کند.» زاهدیان ادامه می‌دهد: «ما ادعا نمی‌کنیم با اقداماتی که نیروی انتظامی انجام داده است و همچنان ادامه دارد، دیگر هیچ معتاد متجاهری در آن منطقه حضور نخواهد داشت. ولی سعی ما این است که معابر و محیط‌های شهری را برای مردم آماده کنیم و تمام تلاشمان را می‌کنیم.»

او می‌گوید نیروی انتظامی همه پاتوق‌های منطقه فرحزاد را شناسایی و پاک‌سازی کرده است. «در دره فرحزاد هم می‌تواند مانند دره که بشود یعنی تبدیل به مکانی شود که مردم از طریق معابری که ایجاد خواهد شد، به دل طبیعت بروند و آن‌ها استفاده کنند. حضور مردم منطقه را برای معتادان ناامن می‌کند. پاک‌سازی منطقه فرحزاد در چند مرحله انجام شده است، در آخرین مرحله در این منطقه نیروی انتظامی فقط نفر را جمع‌آوری کرد و این نشان‌دهنده این است که دیگر حضور معتادان در دره فرحزاد چشمگیر نیست.»

به‌گفته زاهدیان پلیس در تلاش است به خوبی وظایفش را در حوزه جمع‌آوری معتادان متجاهر، خرده‌فروشان و قاچاقچیان انجام دهد و همیشه هم در طرح‌های جمع‌آوری موفق عمل کرده است: «اگر دستگاه‌های دیگر هم به درستی به وظایفشان عمل کنند و در نگهداری و بازپرسی این معتادان برنامه‌ریزی‌های درستی داشته باشند، همچنین خرده‌فروشان مواد مخدر بعد از دستگیری، به دست مقامات قضائی به زندان یا اردوگاه‌های ماده ۴۲ منتقل شوند مطمئناً منتهای بخش اقدامات پلیس بیشتر خواهد شد.» او می‌گوید: «پلیس مخالف گرمخانه‌ها و مراکز کاهش آسیب نیست، چون به‌هرحال افراد بی‌خانمانی در شهر هستند که به این گرمخانه‌ها نیاز دارند. این مراکز می‌توانند کاهش آسیب‌های اجتماعی مؤثر باشد ولی باید در زمینه‌های اجتماعی و مکان‌های گرمخانه‌ها دقت نظر لازم صورت گیرد. گرمخانه‌ها باید در مناطق مناسب باشد. به‌عنوان مثال مراکز کاهش آسیب در مناطق شوش مولوی و هرنندی و هرنندی جانمایی درستی ندارند، به همین دلیل نیروی انتظامی به دنبال تغییر مکان آنهاست که درخواست جابه‌جایی این مراکز در حال پیگیری است، امیدوارم با همکاری سایر دستگاه‌ها این تغییر مکان‌ها انجام پذیرد.» □

## آزموده‌را آزمودن خطاست

فرید براتی سده، مدیر کل دفتر پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهزیستی کشور] اگر بخواهم در یک جمله نظر را در مورد دستگیری معتادان دره فرحزاد بگویم، باید بگویم: «آزموده را آزمودن خطاست.» سال‌هاست معتادان متجاهر را جمع‌آوری و به مراکز درمان اجباری می‌بریم؛ این درحالی است که آنان همچنان در شهر حضور دارند. یک پاتوق مصرف مواد را پاک‌سازی کردیم، پاتوق دیگری در جای دیگری سبز شد. اخیراً در جمع‌آوری معتادان متجاهر از شوش، مولوی و هرنندی هم همان تجربه همیشگی تکرار شد. درست است که هم‌اکنون تعداد معتادان متجاهری که در این مناطق دیده می‌شوند به نسبت قبل کمتر است اما دلایل این است که تعداد زیادی از معتادانی که دستگیر شده‌اند هنوز در مراکز درمان اجباری هستند و در این مناطق نیروی انتظامی همچنان حضور فعال دارد و از طرف دیگر، معتادان به دلیل اینکه در این مناطق دیگر مانند گذشته احساس امنیت ندارند به جاهای دیگر شهر رفته‌اند. شهردار منطقه ۱۶ مدتی پیش اعلام کرد که شهروندان این منطقه از وجود معتادان متجاهر در محل زندگی‌شان اظهار نارضایتی کرده‌اند. معتادان حرکت کرده‌اند از منطقه ۱۲ به منطقه ۱۶ رفته‌اند! ما از تجربه‌های گذشته درس نگرفته‌ایم و همچنان راه حل را در جمع‌آوری معتادان متجاهر و درمان اجباری می‌دانیم. این درحالی است که صدها بار طرح‌های این چنینی اجرا شده و نتیجه مثبتی در بلندمدت عاید ما نشده است. می‌دانیم این اقدامات ضربتی اثربخش نیست و حتی راه حل را هم می‌دانیم، اما اشتباه گذشته را مدام تکرار می‌کنیم به امید اینکه این بار نتیجه‌ای متفاوت از قبل حاصل شود که نمی‌شود. راه حل ارابه خدمات کاهش آسیب به این معتادان و حمایت اجتماعی از آنان است. حالا این بار قرعه به نام دره فرحزاد افتاده است و در حال جمع‌آوری معتادان این منطقه‌اند. کاری که ما می‌توانیم انجام دهیم این است که مخالفت خود را با این اقدام بیان و اعلام کنیم که مراکز کاهش آسیب سازمان بهزیستی که در منطقه فرحزاد فعالند همچنان به فعالیت خود در این منطقه ادامه می‌دهند؛ همان‌طور که مراکز کاهش آسیب ما در منطقه شوش، هرنندی و مولوی همچنان فعالند و اجازه نمی‌دهیم این مراکز تعطیل شود. □



مهر



میزان

## قبل از اجرای برنامه‌های ضربتی نگاهی هم به قوانین بیندازید

سعید صفاتیان - کارشناس اعتیاد] جمع‌آوری معتادان خیابانی موضوعی است که ۱۶ سال است روی آن بحث می‌شود و دستگاه‌های زیادی هم در این سال‌ها به این حوزه ورود کرده‌اند، اما سوال مهمی که مطرح می‌شود این است که آیا این جمع‌آوری‌ها اثربخش بوده و نتیجه مطلوب و مورد انتظار حاصل شده است؟ مسلمانان، چون تعداد معتادان خیابانی نه تنها کاهش پیدا نکرده، بلکه بیشتر هم شده است.

مهم‌ترین ایرادی که به این اقدام وارد می‌شود، این است که وقتی معتادان خیابانی دستگیر و وارد فرآیند درمان اجباری می‌شوند، آنچه باید برایشان اتفاق بیفتد، نمی‌افتد؛ یعنی سیستم درمانی، بهداشتی و مددکاری در مراکز ماده ۱۶ به‌گونه‌ای نیست که زمینه بهبود بیماران را فراهم کند. ضمن اینکه بعد از آنکه بیماران از این مراکز ترخیص می‌شوند، حمایت‌های اجتماعی پس از ترخیص برای آنها تعریف نشده است.

از نظر من حمایت‌های اجتماعی پس از ترخیص که آخرین بخش فرآیند درمانی است، حتی از بخش‌های دیگر هم مهم‌تر است. این درحالی است که بودجه خیلی کمی برای این بخش در نظر گرفته شده و عملاً هیچ‌کدام از سازمان‌ها و نهادهای مسئول خودشان را درگیر این موضوع نکرده‌اند، بنابراین وقتی نه‌فرآیند درمانی وجود دارد و نه حمایت پس از خروج تعریف شده است، طبیعتاً ترین اتفاق این است که معتادان پس از ترخیص دوباره به پاتوق‌هایشان برگردند و مصرف‌را از سر بگیرند و چرخه دستگیری و درمان دوباره از نو شروع شود.

در ماده ۸ برنامه ششم توسعه، دولت مکلف شده است طبق قوانین مربوط و مصوبات شورای اجتماعی به منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی، نسبت به تهیه طرح جامع کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی با اولویت اعتیاد، طلاق، حاشیه‌نشینی، کودکان کار و مفاسد اخلاقی اقدام کند. به‌گونه‌ای که کاهش آسیب‌های اجتماعی در برنامه به‌به ۲۵ درصد میزان کنونی کاهش یابد. در ذیل بند (پ) همین ماده هم به شناسایی نقاط آسیب‌خیز و بحران‌زای اجتماعی در بافت شهری و حاشیه‌شهرها و تمرکز بخشیدن حمایت‌های اجتماعی، خدمات بهداشتی - درمانی، مددکاری، مشاوره اجتماعی و حقوقی و برنامه‌های اشتغال حمایت‌شده، با اعمال راهبردهای همکاری بین‌بخشی و سامان‌مند مدیریت آسیب‌های اجتماعی در مناطق یادشده اشاره شده است. حال اگر دره فرحزاد را جزو نقاط آسیب‌خیز و بحران‌زای اجتماعی در بافت شهری به حساب بیاوریم، متوجه می‌شویم که وظایف دستگاه‌های مربوط در رابطه با معتادان متجاهری که در این دره سکونت دارند، مشخص شده است. جمع‌آوری و فرستادن این بیماران برای درمان شاید بخشی از این راهکار باشد اما قطعاً وظیفه دستگاه‌ها در این بخش خلاصه نمی‌شود. شاید بد نباشد مسئولان و متولیان حوزه آسیب‌های اجتماعی قبل از اجرای برنامه‌های ضربتی نیم‌نگاهی هم به قوانین بیندازند. □



همشهری آنلاین